

حقیقت

شماره ۲۹

۱۴ تیر ۱۳۵۹

هشتاد و نه که ارتجاع شاهی دارد

بر نارضایتیهای مردم سوار میشود

این وضع می نماید. هم بستگی و محبتی که انقلاب در میان مردم بوجود آورده بود از میان رفته و مردمی که در روزهای قیام و پیش از آن برای کمک به همدیگر از زیر و گبار مسلسل میگذشتند و چه بسا در آن میان شهید میشدند اینک بر سر کوچکترین مسائل گریبان یکدیگر را می درند. سرخوردگی از انقلاب روز به روز در آنها منتهای در میان مردم گسترده تر میشود و بسیاری از بقیه در صفحه ۲

گرانی همچنان بیداد میکند. نایابی و کمبود ما. یحتمل اولیة زندگی مردم را به ستوه آورده است. هر جا که نگاه کنید صفهای طولی از مردم است که برای تهیه مواد اولیه زندگی ایستاده اند. غم و اندوهی که بر چهره های مردم نشسته است حکایت از ناراضی عمیق انسان از

درباره دوست خنرانی آیت الله خمینی

یعنی اختلافات و مرزبندی های که ایندورا از لحاظ سیاسی (و این تعیین کنند است) از یکدیگر جدا مینماید. برده پوتانند. خنرانی بقیه در صفحه ۲

هفته گذشته آیت الله خمینی دو سخنرانی مهم ، یکی در روز چهارشنبه ۴ تیر و دیگری پنج تنبه تیرماه ایراد کرد. سخنرانی اول ، عمدتاً موضع گیری و حمله های بود بر علیه سازمان مجاهدین خلق ، که ضمن آن مجاهدین بعنوان " منافقین " ، " التقاطی " و " منحرف " و آمریکائی معرفی شدند و چنین واسموده شد که آنها بر علیه مردم عمل کرده ، در صدد ایجا دلبوا و آشوب میباشند . سبک کلام ، از حملات مشخص علیه مجاهدین خلق که بگذرد. هم ، این سخنرانی بیانگر مواضع و نظراتی است که آیت الله خمینی نسبت به نیروهای دموکراتیک و انقلابی دارد و قطعی است که ایشان را از آنها جدا مینماید. اینکه این مسائل ریریبونستی از مسائل " مکتبی " و برداشت های گوناگون از اسلام عنوان گشته و میگردد. به هیچ رو نمیتوانند بر اساس مسئله ،

یا "میثاق وحدت" التقاط واقعی؟

دهد در پس کلمات مبهم و نا روشن از توطئه ای بر علیه خود نام میبرد. در همین حین است که بنی صدر و جناح او در حکومت آغاز به لنگر کشی در خارج از قدرت سیاسی و همه نیروهای را که مینموند سر علیه حزب جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

آیت و همدستانش در حزب جمهوری اسلامی برای قبضه کردن قدرت سیاسی بر علیه جناح بنی صدر توطئه می نمایند. مدارک ایمن توطئه بدست بنی صدر می افتد ، او با ما م گزارش میکند ، و در عین حال بطور غیر مستقیم مسئله را به بیرون در می -

در این شماره

عطب زاده بر مرزا سوسان آمریکا می کند

صفحه ۱۲

بسرک مسکو

صفحه ۱۲

در چه داران بیروی هواشی اعشاری می کند

صفحه ۷

کارگران محدومه چیر

کارگران سفرو هیچ چیر

صفحه ۷

اعلامه عده ای ار کارگران سرک فلور

صفحه ۸

کردن اساس مناسبات و نهاد های بازمانده از رژیم گذشته، بلکه بسنده کردن به حذف آرم های مانده از رژیم گذشته و تحمیل " یو-

درباره دو سخنرانی اخیر.....

نقیه از صفحه اول

دوم، عمدتاً " موضع گیری و حمله ای بود بر علیه نهادهای بازمانده از رژیم گذشته و مناسبات جوئی مقامات دولت و " شورای انقلاب " با این نهادها، که ضمن آن آیت الله خمینی، از ملت ایران بخاطر ضعفش در حل ایمن معضلات عذرخواهی کرد. گفتنی است که حمله به نهادهای بازمانده از رژیم گذشته به ظواهر امر محدود گشت و به " آرم " رژیم گذشته و ضرورت حذف آن از کاغذها و پیرچشم دولتی پرداخته شد، که بدنبال آن " موج طاعون زدائی " (که نه متوجه اساسی نهادهای بازمانده از رژیم گذشته، بلکه ظواهر ایمنی سخنرانی، بیانگر مواضع و نقطه نظرانی است که آیت الله خمینی بر علیه نهادهای بازمانده از رژیم گذشته و کسانی که با آنها مماشات می ورزند دارند و در خود از یکسو این ضدیت را آشکار ساخته و از سوی دیگر محدودیت آنرا عیان میسازد. بدنبال سخنرانی اول موج " ضد مجاهدین " برآه افتاد و آنهایی که از مدت ها پیش در آرزوی چنین فرصتی بودند حمله به مراکز مجاهدین را آغاز کردند و به یکی از این مراکز بمب پرتاب کردند و سیل اعلامیه ها و سخنرانی ها و مقالات بر علیه " منافعیس " روان شد. بدنبال سخنرانی دوم، موج " طاعون زدائی " برآه افتاد و ده ها هدیه و سورانی

بینی بالاجبار، دولیسه دارد. آیت الله خمینی از یکسو با منافع انقلابی و اساسی کارگران و دهقانان ایران ضدیت میورزد و از سوی دیگر مخالف امپریالیسم و ارتجاع است. اینچنین موقعیتی ایجاب نیز میکند که دارندگان آن بالاجبار هم با امپریالیسم و ارتجاع و هم با منافع اساسی کارگران و دهقانان به ستیز برخیزند و به هر دو اعلان جنگ نمایند. در یکسوی این نیرو، امپریالیسم و ارتجاع قرار دارند که خواهان برانداختن وی و روی کار آوردن حکومت خود است و از اینرو وی را تهدید میکنند و در سوی دیگر، کارگران و دهقانان قرار دارند که تا منافع اساسی خود پیش را در کفایت این نیرو و نیافتن و در میان رزبه برای خواسته های خود در برابر آن نیز قرار میگیرند. ایمن نیروی ما هیتا " خرده بورژوازی (با ویژگیهای پیوند با مالکان متوسط) از دوسو خود را با خطر مواجه می بیند و در نتیجه بر علیه هر دو شمشیر میکشد و اعلام موضع مینماید. این نیرو خود را نماینده همه ملت می پندارد، لکن از آنجا که قادر به برآوردن ختن نیازهای اساسی کارگران و دهقانان نیست، قادر نیز نیست که آنها را نمایندگی کند. عجز و ضعف وی نیز از همین جانی میگردد: دولیسه شمشیر این نیرو، هر یک ویژگیهای نیرمخصوص بخود دارد، اول اینکه هیچ یک برنده (به آن معنی که بتوانند کار را بکسر نمایند) نیست. این نیرو گرچه مخالف امپریالیسم و ارتجاع است، لکن قادر نیست با امپریالیسم و ارتجاع ریشه کن سازد و در مقابلش بالاجبار با برلزل و سطحی

گراشی همراه و عین می باشد و در برابر امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده آن امپریالیسم برمیخیزد و به آن ضربه میزند، لکن ضربه اش از برندگی کافی بر خوردار نیست و در نتیجه نمی تواند آنها را از اساس ریشه کن سازد. اینکه آیت الله خمینی در نطق اخیر خویش خود به ضعف خویش اعتراف نموده است، نه بیانگر تواضع، بلکه بی آنکه خود نیز لزوماً به آن واقف باشد، بیانگر موقعیت عینی و اجتناب ناپذیر اوست. آیت الله خمینی با شدیدترین الفاظ به درستی به نهادهای بازمانده از رژیم گذشته و مناسبات جوئی " شورای انقلاب " و رئیس جمهور حمله میکند، لکن ضربه را به اساس این نهادها نکوفته و دست آخر کار را دوباره به همان نیروهای سازشکاران و نقلاتی می سپارد تا برای " طاعون زدائی " کنند و آنها نیز بر حسب جایگاه و موقعیتشان هر کدام بنوعی مسئله را مستمالی می نمایند. یکی به چاپ زدن کاغذها آرم جدید می پردازد و دیگری " بوشن اسلامی " را علم میکند و باندو نیز اصل مطلب را بفراموشی می سپارند و با مانورهای آگاهانه، همان روس گدسه را در پوششی نویسنده سال می کنند، ضعف یا دسه در با یکاه طبقاتی این نیرو ریشه دارد و در مماشات با نیرو های بورژوازی لیبرال و بورژوازی دلال صفت و مالکان همساز و منسب با اید و خود را انسان میدهد. آرمی دیگر با سوخته نهاد کار با امپریالیسم و ارتجاع، و در مبارزه با آنها، اسب و روحهاست و بیسنایی و همراهی اکرمی

هندا رکهار تجاع

سأهسا هی سدعداد
فائل سوچی ارخاسد
های مردم رادیا سده و
مردم میخواستند که
حقیقت را از زبان این
جاسکاران فراری

سعیدار محمد اول

بسیوند، راستی حران راهی از
مردم "نجات دهندگان" خویش را
با یی در آن سوی مرزهای ایران
و در میان جاسکاران فراری
و نوکران امیرالسلطنه
کنند؟ وای سید...
زمینه های...
امیرالسلطنه...
کودک های...
هد کرد...
بچی های...
از اسلام...
یک قطب...
جاسکاران...
بچی های...
از اسلام...
یک قطب...
جاسکاران...
بچی های...
از اسلام...
یک قطب...
جاسکاران...

باند های سازشکاران
انقلابی حاکم بردولت و "سور"
انقلاب" در طول این یکسال و
نیمی گذار قیام بیهمی مادی
کدرده تنها با ریشه های رسد
ارتجاع ساهسا هی میباررد
کرده اند بلکه خود زمسده های
جدیدی را جهت رساندن ارتجاع
آفریده اند.

حران اقتصادی و ساسی
که باند های حاکم هم اکنون
با آن دست به کربان هستند
حیری نیست مگر سحده حظ می
وساسات های صدکارگری و صد
دهقانی که باند های حاکم پس
ار قیام بیهمی ماه در ساسی
کربند و اکنون بر ادا مدهاس
مدهند. باند های حاکم چون سده
مخواستند و سده سواسد سده

مردم که باندل و جان در انقلاب
سرکب کردند و در راه سرتکونی
ر بیم مسخوس ساهار خود رسا
دینها و مداکا ریهانسان دادند
ارا انقلاب مایوس مینوند، و در
پس این یاسها و سرخوردگی
ها صدا انقلاب ساهنسا هی بکمین
نستنه است. صدا انقلاب ساهنسا
هی با پوستهای مختلف تسلان
میکنند که برنا رضایتی های
مردم سوار نشود و آنرا به سوی
خویش سمت و حرکت دهد. اینک
بر تعداد دشمنان رادیوهای
ارتجاعی هر روز افزوده میگرد
آیا این امری است تصادمی؟
اینکه در پیج های قشوقا بل
توجهی از مردم زمزمه های
طرفداری از ساشاپور بختیار
مزدور و سرتکون شده سابق
بگوش میرسد امری است تصادمی
دقی؟ خیر، این امر مستقیم
ارتباط دارد با سرخوردگی
لایه های روزافزونی از مردم
از انقلاب و برای یک انقلاب
هیچ چیز در دنیا کمتر و گشوده تر
از این نیست که مردم نسبت به
سرنوشت آن بی تفاوت گردند
و با سوی دشمنانش گرایند
یا بند. مگر همین مردم نبودند
که در کوچه ها و خیابانها فریاد
میگشیدند "مرک برای...
بخنبار سوگرایی اختیار" و مگر
بیسار آنکه بخنبار مزدور
نوسط دوساساز مرز "بارر"
کان" فرار داده سود مردم در به
در برای بیدار کردن و محاکمه و
مجاراس میکشید، خده سده
است که آن مرد و رحنای بکنکار
امروزه در در میان ساره ای
ار مردم کم کم محبوب مسود و حد
سده است که بر ما مده های
راد سوسنسا رود مگر سوسنسا

طبقات و نیروهای بالنده
خلق بکینه گنند، چون نه می
خواهند و نه میتوانند به کار
کران، دهقانان و روشنفکران
انقلابی در بازسازی کشور
تکیه نمایند لاجرم این بحران
اقتصادی و سیاسی باز هم
دامنه اس گسترده تر میشود و
پرواضح است که در جریان این
بحران آنکس که کمرش خورد
میگردد با زحمتکشان میهن
ما هستند. حمایت از سرمایه
داران وابسته و دشمنی با
شوراهای واقعی و تشکل های
انقلابی کارگران در عمل
نتیجه ای جز عمق بخشیدن به
بحران اقتصادی و مراض
ناسی از آن یعنی بیکاری،
کرانی، نایابی و احتکار و
غیره بنا رنیآ ورده و نخواهد
آورد. و حمایت از فئودال ها
وزمین داران بزرگ و سرکوب
دهقانان ستم دیده و بیچاره
خاسته ایران نیز در عمل
نتیجه ای در بر نداشتنه و
نخواهد داشت جز جلوگیری از
رشد کشاروری ایران و ادامه
سیره روزی دهقانان و نهایتا
ادامه وابستگی غذایی و
کشاورزی مردم ایران به
غرب و شرق.

بدین ترتیب حتی در
موردی که پای رشد صدا انقلاب
ساهنسا هی در میان است ذر
شرایطی که جاسکاران و
نوکران فراری امیرالسلطنه
آمریکا میخواستند که برنا رضا
یتی های مردم سوار نشوند باز
با ندفتنه انگیز "حزب جمهو
ری اسلامی" هدف های پلیس
خویش را دنبال میکنند، این
دارودسته صدا انقلابی همراه
با دارودسته های سازشکار به
جای مفا بله با صدا انقلاب
ساهنسا هی خود شرایط رشدش
را فراهم میسازند. ما در ساس
ره های بیستین "حقیقت" نشان
داده ایم که چگونه دارودسته
صدا انقلابی خود ز مبنه را برای
اجرای یک کودتای امپریالیستی
در میهن ما مساعدمی
کرده است.

باند های حاکم که با
اسخا دسیاست های ضد کارگری
و ضد دهقانی، خود عامل بوجود
آمدن این بحران اقتصادی
هستند، ریاکارانه میگویند
حسن و انمود سارسد که اس
بحران ساسی ار "شورم جهان"
"کمکاری کارگران"، و
"سحریکات گروه های جب" و
غیره می باند، اینان برای
بسی بردن امیال صدا انقلابی
خود حتی مسئله کراسی و
بحران اقتصادی را به کردن
سروهای انقلابی ماساندارند.
حدی پیش در یک مصاحبه
تلویزیونی یکی از خواهان
مسلمان در حواص حرسکار
"اسلامی" تلویزیون گدکوسا
برای کشف علت کراسی ار

بوجود آوردند. نیرو-
هایی که اساساً در
پیشبردا موردولتی
دست سازش و اتحاد
بسوی بقایای رتجاع
مجمد راضاهای باز

"میثاق وحدت" یا التقاط واقعی
قبه از صفحه اول

کرده و جای پای خود را در مسند
های دولتی محکم نمودند ،
از آنجا تکیه غیر انقلابی و
سازشکار بوده و بر ضد جریان
تکاملی انقلاب ایران گام
بر میداشتند ، در نهایت با
تمکین به دستگاه دولتی با -
قی مانده از رژیم سابق و حفظ
و حراست از آن ، نمی توانسته
و نمی توانستند وضعیت بی ثباتی
تی و تعدد مراکز قدرتی موجو
راببارنیا ورنند و انقلا ب
بزرگ ایران را به بین بستنی
که خمینی را نیز به اذعان به
عجز در مقابل آن و امیادارد ،
نرسانند. جناحهای منتسب
به بنی صدر ، بهشتی و بازگان
و... که همه شان از سیاست -
های سازشکارانه و ضد انقلابی
و ارتجاعی همراه با دسیسه و
توطئه چینی پیروی می نمودند -
بند ، و برای تحکیم قدرت خود
به باقی مانده رژیم گذشته ،
یعنی به "ارتش جمهوری
اسلامی" با فرماندهان شاه
پرستش لمیده اند ، و در طی
۱۷ ماه گذشته علیرغم سعی و
کوشان برای بیرون اندا -
ختن و یا محدود کردن قدرت
خرده بورژوازی سنتی از درون
قدرت سیاسی ، کار بجایی
نبرده اند ، به جدال با یک
دیگر پرداخته و سعی می نمودند -
بند مقدمات تسخیر قدرت کا -
مل خود را در زمان حیثیات
خمینی آماده نموده تا پس از
اوتسویه حساب راقطعی نمودند -
بند. این دیگر به واقعیتی
تبدیل شده که با حضور خمینی
در محنه سیاسی جامعه امکان
قضه کردن بکجا نرسد ، تا

سوی جناحهای یا شد ،
فوق ممکن نبوده ، و بناچار
بخاطر سیاست خمینی مبنی
بر حفظ وحدت آقایان بورژوا
در حاکمیت سیاسی عرصه
رقابت ها در چارچوب ایجاد
مقدمات تسخیر آتی قدرت
سیاسی محدود گشته است . و
این اولین واقعیتی است
که پس از افشاء شدن توطئه
آیت و همدستان روحانی اش
در حزب جمهوری اسلامی به
وضوح دیده میشود . و ناگفته
نماند که فرماندهان شاه پر -
ست ارتش جمهوری اسلامی ،
ساواکیها ، بختیاریه ها درون
و بیرون دولت کنونی ، همه
بر کوه های میدان جدال این
دار و دسته ها نشستند ، گاهی
برای این گروه و گاهی برای
آن رقیب هورا میکشند و در
انتظار فرصت مناسب اند تا
تکلیف رقیبان را یکسره
نمایند و بدون تردید با جناح
های از اینان که خاصه سر
از حزب جمهوری اسلامی در
آورده اند ، میثاق وحدت
واقعی خود را ببندند .
ما در باره نقش خمینی
در این رقابت و جدالهای
قدرت جناح بنی صدر و بهشتی ،
نظرات خود را در جای دیگر
همین نشریه آورده ایم ، در این
جابه همین بسنده میکنیم که
خرده بورژوازی سنتی برای
اعمال سیاست خود در جهت
استقرار نظام جمهوری اسلامی
اش به این جناحها تکیه زده
و قبل از هر چیز پیروزی خود
را در وحدت کلمه و اراده این
جناحهای رقیب در پیاده کردن
سیاستهایش می بیند . و از
این روست که قبیل از اینکه
در این گیر و دار رقابت های
قدرت طلبانه این جناحها
طرفی ببندد ، به وحدت میان
اینان تحت عنوان " وحدت
کلمه " چشم امید بسته است .
خمینی با تکیه بر مقامی که
در میان مردم دارد ، به

این جناحها فشار وارد میکند
تا " وحدت کلمه " خود را حفظ
کنند ، چرا که در پیس تفرقه -
این جناحها ، عجز خود را می -
بیند و در پیس وحدت کلمه
اینان قدرت خود . البته او
اینطور فکر میکند ولیکن
بورژواهای منتخب او در پی
قدرت خویش اند !
عنا دورزی خمینی با
مجا هدین خلق بیش از هر چیز
ناشی از حرکت مجا هدین خلق
در بهم زدن این " وحدت کلمه "
میان دولت مردان منتخب
خمینی میباشد که در مورد
توطئه آیت بوجه با رزی خود
را نشان داد . محتوی موضع
خمینی علیه مجا هدین خلق
چیزی نبود که اخیراً بدان
دست یافته باشد ، بلکه شرایط
خاص کنونی در جامعه و کوششی
که این نیرو در جهت استفاده
از تضادهای موجود در جناحها
درون قدرت سیاسی مینمود ،
بود که به اعلان علنی این
موضع و ادا ر نمود .
در اینجاست که میتوان
متن توافقنا مذکور و
اعضاء " شورای انقلاب " در
واقع دار و دسته حاکم بر حزب
جمهوری اسلامی حاضر در " سو -
رای انقلاب " - بر ایمن
معنا میباشد .
امضاء کنندگان متن
توافقنا مه " وحدت " پس از
توافق خود و بویژه بعد از آنکه
هو و جنجال و توطئه و دسیسه
چینی و خط و نشان کسیدنها ،
با عوام فریبی مسخره ای
اعلام نمودند که " سوء تفاهات
اخیر رفع شده است " !! قرار
نودصد یکدیگر کودتا کنند ،
بعد میگویند سو ، ناهمی پس
نبوده و رفع شده !!
معا د این قطعاً مدتها
بیا نگر یک چیز است . بی صدر
مقداری امنار کرده ولی
در عین حال امنارار
بشماری بر مقامی حسود داده
بفکر و صفحه ۵

هشدار که ارتجاع

از طریق مبارزه انقلابی
توده‌ها و حلقه‌های مهر-
مان به رهبری طبقه
کارگرزمنده ایران
کسب خواهد شد" (تاکید
از ماست) ، اولاً باید

ادعان کرد که مردم ایران در
مورد ما هیت این مخالفین
ارتجاعی حکومت کنونی
تردیدی نداشته و ندارند که
لازم به توضیح و تبلیغ از سوی
پیکارویا دیگر سا زمان های
سیاسی باشد ، ثانیاً آنچه که
قابل تردید است ، خط سیاسی
سا زمان پیکار است که مبارزه
مردم ما را درست و سوی دیگری
از آنچه که هست تصور میکنند و
کویا با واقعیات جامعه ما اصلاً
آشنائی ندارند ، آزادی خلق -
های میهن ما در کرم مبارزه با
حکومت کنونی است ؟؟؟ و بیا
بعبارت دیگر تضا د عمده جامعه
ما حکومت کنونی است که شما
آنرا " ارتجاعی " نیز قلمداد
میکنید ؟؟؟ این کافی نیست
که صرفاً با اعلام موضع علیه
دارودسته‌های بختیار و اویسی
و سایر وابستگان شاه مخلوع
خط فاصل خود را با آنان کشید،
نکته در این است که در مجموعه
اوضاع کنونی جامعه سمست و
سیری که به جنبش توده مردم
داده میشود و هدف اصلی که
پیکان مبارزات مردم با یید
متوجه آن باشد چیست ، آیا
پیکان اصلی مبارزات مردم ما
علیه این حکومت بقول شما و
به غلط " ارتجاعی " است ، بیا
امپریالیسم و بقایای ارتجاع
که در برابر انقلاب ایران فرار
گرفته و وجه اردرون وجه بیرون
جامعه دست به توطئه و عملیات
ارتجاعی مرسد هدف اصلی
حمله گرفته میشود؟ بیکار ،
ما هیب رادیوهای امپریالیسم
لسسی را با حکومت کنونی که
نقشه در صفحه ۶

"میثاق وحدت" یا التقاط واقعی

است ، و در مجموع بده و بستان
های آقایان بنفج حزب
جمهوری اسلامی و رهبران
خده گرش موقتاً پایان یا -
فته است ، برای نمونه در این
توافقنا مه میخوانیم " با
افراد گروه های التقاطی تا
وقتی بر عقیده التقاطی
هستند ، همکاری و وحدت میسر
نیست ، ... " که معنائی جز
نزدیکی بنی صدر با مجاهدین
خلق که بزعم سردمداران
جمهوری اسلامی و برخی دیگر
شخصیت های روحانی " التقاط -
طی " قلمداد میگردند ، ندارد ،
و یا در جای دیگر " بروز هرگونه
تمایل التقاطی از هر نوع
با یدفوراً در جمع طرح و انتقاد
شود " ، که بروشنی کسی جز خود
بنی صدر را بعنوان گاندیند -
ای التقاطی گری از نظر
آقایان بهشتی و دارودسته -
اش منظورند ، و جالب تر
این که خود توافقنا مه ،
توافقی التقاطی است چه از
یکطرف میگوید " گروهها تا
وقتی اسلام را درجا معیت
خویش نپذیرفته اند و وحدت
بنیادی ممکن نیست " - و از
طرف دیگر " جنگ و مبارزه
قدرت چه خصمی و چه گروهی " را
ممنوع اعلام مینماید ، گویا
آقایان نمیدانند که با در -
گذشت بیا مبارز اسلام هیچگاه
مسلمانان وحدت مکتبی
نداشته اند و نتوانسته اند
" اسلام را درجا معیت خویش آن
طور که بمذاق سردمداران
حزب جمهوری اسلامی خسوش
آید ، بپذیرند ، از یکسو می -
گویند بیا یید " وحدت " کنیم ، و
در عین حال چارچوب مفاد
وحدت عیرقاً بل حمول می -
باشد !

بنی صدر نیز مقصداری
امتیا ز برای خود بدست آورده
است ، از جمله مسئله جلوگیری
از تضعیف ریاست جمهوری و ...
که اینهم قول و قرار تازه ای
بحساب نمیا یید .
بهر جهت ، بنی صدر با
امکاناتی که پیرو کشف توطئه
آیت برایش فراهم آمده بود ،
نتوانست موقعیت خسود را
تحکیم نماید ، و بویژه با علی
کردن متن نوارها ، و موضع -
گیری خمینی عملاً اکسریب
روحانیون یا موضع حسینی
گرفته و با اردارودسته
بهشتی - رفسحایی بدفاع
برحاستند و حرسی حدارو -
حاییون لبرال ارسنی صدر ،
کسی ارماسان بدفاع بر -
نحاست .
در آخر سخن با سرادگان
مجاهد خلق دارم ، سردست
بگمال است که مجاهدین خلق
ایران اردرگ معسسی

اوضاع و احوال جامعه و رو
کنونی و آتی آن پیروی م
نما یند که عملاً قطب بنی
درون جامعه و تضا د عمده آن
ما بین خود از یکطرف و دار
دسته حزب جمهوری اسلامی
یا بزبان خودشان " ارتجا
از طرف دیگر فرض نموده اند
در اینکه حزب جمه
اسلامی بزرگترین سازمان
دهنده علنی دارودسته
چماق دارو ضدا انقلابی بود
عمده نیروی فعاله خود
علیه مجاهدین بکار گرفت
است ، شکی نیست ، آنست
قابل شک و تردید میباید
است که آیا انقلاب ایران
گردا بین مبارزه بهرحال
و ناحق تکوین می یابد ؟
حزب جمهوری اسلامی بای
کوبیده شود ، و در میان تو
مردم افشاء گردد ، ولی مق
تراز آن و برای پیشبرد
فقیهت آمیزترین مبار
لازم می رود که مبارزه تو
مردم بگردد تضا د عمده جامعه
یعنی تضاد میان خلق و امپ
یا لیسم و بقایای ارتج
گذشته که امروزه سدیدان
فعالیت برداخته و تدارک
کودتای خونین رامی بین
سازماندهی شده و در متن ا
مبارزه است که میتوان عر
تاخت و تازهای ارتجاع
باندهای توطئه گردوسی
حین حزب جمهوری اسلام
را تنگ و تنگ تر نمود ،
میدان بدر کرد ، ارایر
سب که کنار کشیدن سارم
مجاهدین خلق ایسر ،
مبارزه صدامبراللس
حاری در عمل با احراف
محر مکرده کدخدای اسد
ارمادهای درون حاحبه
موجود در قدرت سیاسی عم
بددسالحدکی ارآنان
سده و در آخر سر با تک
فصا مدندان که ارماسا
و آسده محکمی بر حاکم
سب ، سگان اس
سارده نمیدانند آن
گرد

در باره دو سخنرانی اخیر.....

بعینه از صفحه ۷

مردم و کارگران و دهقانان را طلب میکنند و در این مبارزات با آنها همراهی می‌شود. به عبارت دیگر، ضدیت با ارتجاع و امپریالیسم می‌نماید و همین همجبهه صفوف جنبش انقلابی همجبهه می‌نماید و همین همجبهه بودن است که لبه دیگر شمشیرش را نیز گندمی کند. از اینرو شمشیر او گرچه دولبه دارد، لکن هر دولبه اش گند است و از برندگی کافی برخوردار نیست و نوسان و دوگانگی و تزلزل و ضعف مشخصه حرکت اوست.

آنها نیکه به اپورتونیسیم "چپ" و یا اپورتونیسیم راست دچار هستند، هر یک فقط یک جنبه از مسئله را گرفته و فقط یک لبه از این شمشیر را می‌بینند. اپورتونیسیم "چپ"، آن لبه ای را که متوجه نیروهای انقلابی است می‌بیند و قاتل در به دیدن لبه دیگر شمشیر در برابر ارتجاع و امپریالیسم نیست و از اینرو در اتخاذ موضع نسبت به این نیرو به مواضعی شبه تروتسکیستی در می‌غلطند و اپورتونیسیم راست نیز تنها آن لبه شمشیر که متوجه ارتجاع و امپریالیسم است را می‌بیند و لبه دیگر این شمشیر را از نظر دور نگه میدارند. در نتیجه یکی به دنبال روی و کرنش در برابر امی پر دزد و دیگری قادر نیست مبارزه مشترک بر علیه امپریالیسم و ارتجاع را در برنامهای منظور دارد. با ایدوا قعیست

را آنطور که هست دید و دچار یک جا نیه‌گری نشد.

در شرایط کنونی کشور، که عدم کفایت و سازشکاری

نیروهای حاکم، اقشار روزافزونی از مردم را از اطراف آنان پراکنده می‌سازد و زمینه رشد هر چه بیشتر نیروهای انقلابی را فراهم میگرداند طبیعی است که ما ساهد این قبیل برخوردها باشیم. بقول آیت الله منتظری " اینها (مجاهدین) داشتند جوانان ما را می‌بردند، یعنی اینان در برابرین بستی که نیروهای حاکم دچارش شده اند دورنمای جدیدی را عنوان می‌سازند و هواداران سرخورده امپریالیسم و نیروها را بسوی خویش می‌کشاندند. از سوی دیگر حرکت مجاهدین و بی‌ویژه گذاشته شدن لبه تیز حمله آن به جانب " حزب جمهوری اسلامی" و روحانیت هواداران این حزب و دسته‌بندی با بنی صدر در عمل برخلاف آن " توحید ناب" باب طبع آیت الله خمینی است و موجبات رشد شکافها و اختلافات را در درون هیئت حاکمه فراهم می‌سازد و پس با ایداینان را " بجای خودشان " بنشانند و " ماسک از چهره شان " بردارند، تا از یکسوا جمع شدن بسیاری از نیروهای مسلمان جوان و مبارز بگردان خودداری کنند و از سوی دیگر این عامل " نفاق " و " التقاط " را از میان خود برانند. میگویم عامل " نفاق " نه از این جهت که مناقشات درون محافل هیئت حاکمه زیر سر مجاهدین خلق است، بلکه از این جهت که این " النفاق "

صفا با مصلح یکبار چه روحانیت و محافل حاکم و آن یکبار چگی و وحدت کلمه ای که خمینی طالب است راز زیر پوشش ایضا " اسلامی بخطر انداخته، خواستار تشدید این مناقشات است و نتیجتاً به عاملی برای " برهم زدن وحدت " تبدیل شده اند.

در حرکت آیت الله خمینی و نیروهای خرده‌بورژوازی سنتی آنچه که گفتند دارد اینست که اینان به سبب تزلزل، تنگ نظری و محدودیت برد طبقا تی و عدم کفایت شان، از قیام به این طرف، با مامشات با جریانات لیبرالی و سازشکارانه از یکسو و با حرکت در جهت حفظ منافع مشترک روحانیت از سوی دیگر (که همگی اجزائی از حرکت عمومی این جریان هستند) به تدریج اقشار ولایه‌های هوا دار خویش و انقلاب را از طرف خود رانده و صفوف پشتیبان خویش را محدود و محدود تر ساخته اند. این تجزیه، که از سوی دیگر نیز ریشه در بحران سیاسی - اقتصادی جاری دارد، به تلاش‌های این نیرو جهت جلوگیری از این روند دامن زده و خواهد زد. لکن " شدت عمل " در برابر کمانی که این " وحدت " را برهم می‌زنند، کاری از پیش نخواهد بود، زیرا اساس این حرکت روبه انفرادانه در " خرابکاری" این یا آن نیرو، بلکه در عدم کفایت طبقاتی خرده‌بورژوازی سنتی در حفظ موقعیت گذشته دارد.

هدار که ارجاع...

برخی از نیروهای بورژوازی ملی و خرده بورژوازی در آن سرک دارند یکی گرفته و سر و حاکم را با هم می‌سوزاند. آیا این کوبه منحوا هدا رادی حلقهای ایران را به ارمغان

بیاورید؟ آیا اینست خط مبنی کمونیستی و یا دست کم انقلابی برای جنبش مردم؟ یا اینکه این خط مشی اصلا کمونیستی نیست که هیچ، شدیداً گمراه کننده بوده و جنبش توده مردم را نه تنها نخواهد توانست رهبری کند، بلکه مردم را از خود تیزمنزوی خواهد کرد. وظیفه انقلابیون و کمونیست‌های ایران در چنین شرایطی که ارتجاع و امپریالیسم در صدد یک کودتای ارتجاعی بوده و از این طریق انقلاب ایران را بمخاطره انداخته است، نه بزعیم پیکار مبارزه خیالی برای " آزادی خلقهای میهن ما در پیمارزه با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی" ... بلکه تجهیز توده مردم به وحدت ضد امپریالیستی و مبارزه قاطع با ایدای ارتجاع و عوامل امپریالیسم بوده و در این زمینه است که میتوان و باید علیه سازشکارها و اعمال ضد انقلابی و ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی دست به مبارزه زد. سازشکارها و اعمال ضد انقلابی ای که به سر خوردگی مردم نسبت به این انقلاب و آتیه آن دامن زده و به آن با می‌دهد و در این میان وظیفه کمونیست‌ها بیان دادن به وضعیت آشفته فکری " چپ " و راست و پراکنندگی سیاسی و عملی خود است که می‌باید با همدمی با سایر انقلابیون دست به ایجا دیک قطب انقلابی رده و این انقلاب را ارمغان طراب مقابل با سب برهاند و به سوی یک حکومت دموکراتیک و صدامپریالیستی سوق دهد. ما دام که کمونیست‌ها و انقلابیون راستین ایران مبارز به انجام اس می‌کنند، سکس " توهم بوده‌ها " که اکثر گروه‌های " چپ " در اسطرا آن بسنه اند، سوی ارجاع سرکون شده گراست خواهد داشت.

درجه داران نیروی هوایی

افشاگری میکنند

خواستار مناظره تلویزیونی با تیمسار رشاد مهر (رئیس ستاد ارتش) و تیمسار باقری (فرمانده نیروی هوایی) در حضور حجه الاسلام خلخالی ، تهرانی و مجتهد شبستری شدند ؟

آیا میدانید : اسنادی دال بر محکومیت تیمسار رشاد مهر و باقری در رابطه با تهاجم نظامی آمریکا موجود است که اگر ملت بخواهند همه را در مناظره تلویزیونی افشاء خواهیم کرد ؟

آیا میدانید : در تاریخ ۵/۸/۵۸ اعلام جرمی توسط نمایندگان درجه داران علیه سرلشکر باقری به دادستان انقلاب اسلامی آیت الله قدوسی تسلیم گردیده است ؟

آیا میدانید : نمایندگان بحق درجه داران را ، اخراج ، تبعید ، بازجویی و یازندانی کرده اند ؟

آیا میدانید : تاکنون چند تن از نمایندگان را بدون مدرک دادگاه کرده اند ؟

آیا میدانید : حقوق بعضی از نمایندگان درجه داران را که تنها در آمد آنها میباشد قطع کرده اند ؟

وبالآخره آیا میدانید : ما درجه داران ، قشر مستضعف و محروم ارتش که قلبمان برای تداوم انقلاب می تپد و در این لحظات حساس تاریخ که آسمان ایران جولانگه ای برای تاخت و تاز جنگنده های آمریکا می شده است از شما ملت مسلمان خواستار حمایت در افشای حقایق و خواسته های برحقمان هستیم و هو - شیا را نه تا آخرین قطرات خون خود علیه آمریکا بجای نخواستیم جنگید ؟

درود بر خمینی سلام بر ملت
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا
و عمال مزدور در ارتش

درجه داران نیروی هوایی جمهوری اسلامی
بیا یگانه ستم گاری بسوزان

۵۹/۳/۷

۲ - شورای انقلاب
۱ - دفتر ریاست جمهوری
۳ - مطبوعات

میگردان بخور و میمیرم به سحر در میاید . انقلاب را ما کردیم ولی کوئی همه جرحهای جا مع بر علیه ما میجرحند . همان بازاریان ، کارخانه داران و مفت خورانی که در زمان شاه زمره دسرنج ما کاجها سا حبه اند حال همچنان به عارت خود ادامه میدهند . هر صاحب انقلاب است مکتوب انقلاب ، انقلاب مستضعفین است ولی رفی پای نمره انقلاب مرسد سرمایه داران به ریس ما مستضعفین بسیار میچندند . حلوحسم ما بسروکار دیلاک سوار شده ، خانه ها و ویلاهای چندمیلیونی سد همان سبک مانی میسارند ، ارگله نعمتهای مادی بهره مند شده مسافرها و خوشگذرانها بسان بحای خود (همس حالا که ما زحمت میکشیم یکی ار کارفرمایان خودمان با اسفاده از

بسم الله الرحمن الرحيم

اطلاعیه شماره ۲

یوم تبلی السرائر

روزی که بینها نها آشکار گردد (قرآن)

آیا میدانید : آمریکا جرابها بران حمله نظامی کرد ؟ و نقش عوامل داخلش بخصوص در ارتش چه بود ؟

آیا میدانید : اگر نظام ارتش دگرگون شده بود ، مسلمانان ارتش در اسقرار میگردند و سیستم سیاسی آمریکا را زیر و میگردند دیگر نقطه کوری برای آمریکا وجود نداشت ؟

آیا میدانید : نمایندگان درجه داران قبلا ، چنین توطئه های را چندین بار با مقامات مسئول در گذاشتند و دست فرمادها ن خائن را رو کرده اند ؟

آیا میدانید : درجه داران نیروی هوایی بعد از پیروزی انقلاب خواستار دگرگونی سیستم آمریکا می حاکم بر ارتش و جایگزین کردن یک ارتش توحیدی بر اساس ضوابط اسلامی بودند ؟

آیا میدانید : بعد از اینکه نمایندگان درجه داران با پیشنهاد و ارا که یک طرح توحیدی به تمام مقامات مسئول ، خواهان از بین بردن روابط طبقه حاکم بر ارتش شدند و به آنها فقط وعده و وعید دادند ؟

آیا میدانید : هزاران درجه دار که برای حواست به حقشان که همانا واژگوسی سیستم ارتش شاهنشاهی بود در مسجد شاه گناه تهران متحصن بودند ؟

آیا میدانید : نمایندگان درجه داران در تاریخ ۲۶/۱۲/۵۸

کارگران متحد همه چیز

کارگران متفرق هیچ چیز

همکاران عزیز ، کارگران مبارز شرکت مهندسی جنوب هر روز که میگذرد ما شاهد بدتر شدن وضع خود هستیم هزینه زندگی سرسام آور بالا رفته لیکن حقوق اکثر ما هنوز در سطح حداقل تعیین شده از طرف وزارت کار است که ایمن مبلغ خود به روشنی حتی جوا بگوی بخشی از احتیاجات ما هم نیست . این فشار بر روی آن تعدادی که در ایران زنی و فرزندان هم بوده و احیاناً " کرایه منزل نیز باید بپردازند و افسوس طاقت فرماست . در صحبتهای روزمره همه گله از بدبختیهای خود میکنیم ولی کمتر به نتیجه میرسیم که علت چیست و چه باید کرد ؟ از خود میپرسیم که چگونه است که بیش از پانزده ساله انقلاب میگردد ، انقلابی که بیشترین شهید و رخمی اش از بین خود ما کارگران و رزمندگان بود حال بحای رما هر روز که

هفتاد هزار گذشته، صدها هزار زخمی، هرگز مبادسازش
هرگز مبادسازش!

اعلامیه عده‌ای از کارگران شرکت فلور - اصفهان

کارگران شریف و زحمتکش!

آنها نیکه ادعا دارند با وجود آوره‌ن "نظم" و با لابردن "تولید" با توطئه محاصره اقتصادی امپریالیستها مقابله میکنند با - یستی هرچه زودتر تمامی سرمایه‌های امپریالیستی را در ایران ملی اعلام کنند و با مصادره انقلابی کلیه سرمایه‌های سرمایه داران وابسته فراری شرایط را برای ایجاد کار برای همه کارگران بیگانه و کارگران فصلی فراهم سازند. با یستی به یکباره و برای همیشه مسئله بیگاری در ایران بصورت انقلابی حل گردد ولی تجربه یکسال و نیمه اخیر حکومت لیبرال‌های سازشکاری چون بازرگان و بنی صدر نشان داده است که آنها نه تنها با انقلاب بیگانه‌اند بلکه با بزنا مه‌های انقلابی نظیر مصادره کردن انقلابی کلیه زمینهای بزرگ مالکان و فئودالها و تقسیم آنها در بین کشاورزان نیکه زمین ندارند و با کم‌داری و یا تنظیم یک قانون کار و انقلابی که بدست شوراها کار - گری تنظیم گردد مخالفت میورزند.

آقای بنی صدر رئیس جمهور بما گفت "شما اگر رسمی شوید تنبیل خواهید شد" و این بزرگترین توهین به کلیه کارگران رسمی در سرتاسر ایران بخصوص به کارگران مبارز شرکت نفت بوده زیرا که همین کارگران رسمی از جمله مبارزترین قشر طبقه کارگران ایران بر علیه حکومت خودکام پهلوی بودند. آقای رئیس جمهور بما گفت "انداختن بیج و مهره و رویه هم سوار کردن چندتا پلیت اینهمه داد و قال نمیخواهد" در صورتی که هرکس یک جو عقل داشته باشد با لایشگاه نفت اصفهان را یکی از بهترین نمونه‌های صنعت مدرن دانسته و این پالایشگاه با تمام عظمتش بدست توانای کارگران قهرمان شرکت فلور و شرکت نفت ساخته شد حال بدخواهان آنرا آهن پاره بخوانند یا نامی دیگر.

کارگران مبارز شرکت فلور

بکوشیم بر علیه هر نوع طرحی که از اخراج کارگران صحبت کند مبارزه‌ای سخت را آغاز کنیم و از هم اکنون در مورد افراد سالخورده یا بیکه‌توان و قدرت کار سخت بدنی را ندارند با تامین احتیاجات آینده آنها را بر طبق مزایای بازا - نشستگی شرکت نفت در نظر بداریم و برای کلیه کارگران دیگر اعم از ساده و یا متخصص تا تامین شغلی از هرگونه سیاست تفرقه‌جویی نماشیم. اکنون چندین میلیون کارگر ایرانی که در جریان انقلاب بیگانه شده‌اند با سختی و مشکلات زندگی با فقر و گران‌بایی و تورم دست به گریبانند و از ما کارگران شاغل موقت انتظار دارند که با مبارزه خود بر علیه بیگاری و اخراج شدن، خواسته‌های خود را چنان مطرح سازیم که کلیه کارگران فصلی زیر پوشش بیمه دولتی بصورتی رسمی درآیند و این امر باید در سراسر ایران برقرار گردد و تنها به پالایشگاه نفت اصفهان محدود نگردد. ایجاد کار برای کلیه کار -

جاسوس دزد، وطن فروش خائن، دشمن کارگران و نوکر بیگانگان، صفاتیان بار دیگر در خدمت به اربابان امپریالیست خود خوش رقصی نموده و در مورد پرداخت حقوق عقب مانده ما کارگران دست به مخالفت جدی زده است. برای کلیه افرادی که با این عامل و جاسوس آمریکا یعنی صفاتیان ضد کارگر - آشنائی دارند از این عمل وی در تعجب نبوده و نخواهند بود. ولی برای آن عده از رهبران در شورای ما که با سرسختی تمام مقابل کارگران انقلابی و سرپرستان مترقی ایستاده و مبارزه بر علیه صفاتیان را توطئه می‌خوانند غافل از آن بودند که با حماقت سیاسی خود از شکفته تر شدن مبارزه اصیل و ضد امپریالیست کارگران بشدت جلوگیری کرده و با بیشرمی تمام ادعا کردند که "ما بر علیه این آقایان مدرک نداریم" و در حضور کارگران تبلیغ میکردند که "ما حتی از ایشان اضافه حقوق هم نمیگیریم" آن روز که آقای نیسپورک بیگانه و همراه کلیه افراد خارجی همگی مریض میشوند و ایران را ترک میکنند همگی ما کارگران فریاد برآوردیم که قبل از فرار این جنایتکاران با یستی حقوق تمامی کارگران از آنها باز پس گرفته شود ولی عده از رهبران ما در شورا حتی در این مورد جلوی ما کارگران را سد کردند. آن روز که غارتگران فراری عامل جاسوس و نوکر صفت خود یعنی صفاتیان را بعنوان جانشین خود برگزیدند ما کارگران با تمام وجود فریاد برآوردیم: مرگ بر آمریکا - مرگ بر صفاتیان ولی این آقایان این فریاد حق طلبی ما را توطئه خواندند و این مبارزه مقدس را "توطئه ضد انقلاب" خواندند. این دوستان شورائی ما چون شمسیانی نداشتند و در وقت در نیستند که در جلوی کارگران مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم را رهبری کنند و به ناچار لاشه خود را کشان کشان در آخرین صف کارگران همراه میکنند نمیدانند که اگر قرار باشد مبارزه ضد امپریالیستی "توطئه" باشد پس با یدیگفت که این همه مبارزات کارگران و دهقانان و تظاهرات چند میلیونی مردم بر علیه آمریکا چیزی جز توطئه نبوده است. تنها میماند یک رو - سیاهی بزرگ که بعضی آقایان در شورای ما به ما کارگران و ملت قهرمان بدهکارند. روسیاهی از آن جهت که در مورد پیش - نهاد انقلابی یکی از نمایندگان شورا مبنی بر تشکیل یک دادگاه خلقی و محاکمه صفاتیان در حضور کلیه کارگران با یستی - شرمی تمام سکوت اختیار نموده در این مورد هیچ کاری انجام نداده‌اند. و ما مبارزات ما کارگران برای بوج آوردن یک ایران آباد و آزاد همچنان ادامه دارد و برای رسیدن به اهداف مقدس آزادی - استقلال و جمهوری زحمتکشان راهزیا - دی در پیش داریم و هرکس که بخواد در زیر قدرت طبقه کارگر قهرمان ایران زمین سرود بهتر است در مبارزه عظیم طبقه کارگر سنگ پرانی نکند و همراه گردد. اکنون با یستی تمام قدرت را جهت روشن کردن وضعیت نامعلوم آینده استخدا می‌خود نمود.

از خواسته‌های بحق کارگران متحصن پی‌یو

حمایت کنیم!

— بحسب سرپرست و مسئول متحصن (که از طرف صاحب کار —
 خانه یا سخ گوی خواسته‌های کارگران باشد. شورای
 کارخانه معملا بسیاری کارگران کارخانه را اداره میکنند و
 پس از قیام سبزه‌بخت خود و بدون هیچ کمکی موفق به
 کشایش و راه اندازی مجدد کارخانه شدند)

توضیح اینکه تولید این کارخانه مورد نیاز و مصرف بیش
 از ۲۵۰۰۰۰ تن صنعتگر کفش میباید شد که اگر خوابیدن کارخانه به
 همین ۱۰۰۰۰۰ تن خوابیده کند علاوه بر بیکاری و خطراتیکه در
 ۱۹۴ کارگر زن و مرد این کارخانه میباید شد اما که را این عسده
 کفش را نیز در خارج از کشور خواهند نمود و راه برای واردات کفی
 کفش توسط دولت نیز تحت عنوان رفع کمبود با زخواه شد
 گذاشت! اگر این دولت واقعا خواهان قطع وابستگی
 اقتصادی بود حتما با اینگونه تولیدات داخلی توجه بیشتری
 میکرد، پس حتما ریگی در کفش دارد و آنهم حمایت از سرمایه
 داران و سرمایه‌داری است که مورد فوق فقط مثنی نموده
 خوار است. بقیه در صفحه ۱۰

کارخانه پی — یودر کیلومتر ۲ جاده رست — انرلسی
 مراد دارد. تعداد کارگران ۱۹۴ نفر (زن و مرد) و تولید آن
 کفی کفی (در اندازه‌های مختلف) میباشد. مواد اولیه
 مورد نیاز این کارخانه، پلی ابی دونان با نام اخسار و
 مواد سیمایی دیگر نظیر قریگن — مواد تستو و... میباشد.
 که در سطح جهانی فقط از سه منبع خارجی قابل تامین می —
 باشد: کمپانی سل آمریکا — آلمان غربی و کشورهای بلوک
 شرق. این کارخانه متعلق به شخصی بنام امین حضور میباشد
 که از سرمایه‌داران سزرکی است که چندین کارخانه نیز در
 تهران دارد. دفتر مرکزی این کارخانه در شهران قرار دارد.
 حدود ده ماه (اردیبهشت و خرداد جاری) کارگران این
 کارخانه بعلت نبودن مواد اولیه و لوازم بدکی، بیکار و بی —
 حقوق میباشند. شورای کارخانه برای تامین بودجه جهت
 خریداری مواد و پرداخت حقوق عقب مانده از طریق اسباق
 بازرگانی، اتانق صنایع و معادن، دفتر مرکزی کارخانه و
 استانداری گیلان از ما هیای قبل در این مورد گوشه‌نش و
 اقدامات زیادی بعمل آورده که هر با بعلت کارکنی بسیار و
 بهانه‌های مختلف " مقامات " صاحب کارخانه کارش بی —
 نتیجه ماند. در زمان دکترووران (استاندار قبلی) هم
 برای رفع مشکلات و احتیاجات موجود کتبا نامه‌های زیادی
 با ستانداری داده شده که تا کنون بی جواب مانده و فقط شورای
 این کارخانه را به اینجا و آنجا پاس داده اند.

— اعلامیه کارگران فلور — بقیه از صفحه ۸ —

گران فعلی و کارگران بیگانه رتنها بندی است که طبقه کارگر
 ایران را در مقابل خطر بیکاری متحد میبازد.
 امروز با دسموم و خطرناکی از طرف حزب نوظهور
 " حزب جمهوری اسلامی " در جهت از بین بردن شورا های
 انتخابی کارگران آغازیدن گرفته و میروند که اساس این
 تشکیلات دمکراتیک را با برنانه‌های مرتجعانه ولی زبرلوای
 " اسلام " از بین ببرند. سیاست ما کارگران در مقابل این
 حرکت ضد کارگری دفاع از موجودیت شورای خود است و
 بایستی با تمام قدرت در مقابل انحصارگران و مستبدان
 جدید مقاومت کرد و در زمان واحد محافظه کاری و با سارنگا —
 ری عناصری از نمایندگان شورا نیز با بدغلب کرده و برای
 تحقق خواسته‌های بحق خود یک شورای واقعا انقلابی را
 وجود آورد. مرگ سراسر آمریکا — مرگ برصائیان!
 نباید کارگران را خراج کرده!
 حقوق کارگر بردها خراب کرده!

طبق " قانون " کار هر وقت به حکاری کارخانه‌های
 بیشتر از سرمایه اولیاش باشد، کارخانه ملی خواهد شد که
 در حال حاضر این کارخانه دو برابر سرمایه اولیاش مسرض
 دارد. از حدود ۵ — ۴ ماه پیش ۳۰۰ تن مواد خریداری شده و
 موجود در مرگ آستان را بعلت نداشتن پول جهت ترخیص جنس
 (طبق گفته صاحب کارخانه) خاک میخورد. (برای تحویل
 و ترخیص کالای نامبرده احیاج به پرداخت ۵ میلیون و پانصد
 هزار تومان پول میباشد) . استاندار گیلان مدنی قبل گفته
 که ما در صورتی وام مورد نیاز کارخانه را بشما — شورا — میدهیم
 که تعهد کنید که خوب کار کنید و پنجاه تنه‌ها را تعطیل نکنید!!
 در آخرین نشست برای تصویب وام مدنی با زرکانی
 استان به شورای کارخانه گفتند که " وام را فقط به صاحب
 کارخانه میدهیم ". با مسایل و مشکلاتی که توضیح داده شد و با
 وجود طی تمام " مراحل قانونی " بعلت بی توجهی مسئولین
 و مقامات مربوطه، شورای کارخانه با موافقت و پیسنها دهمه
 کارگران، ا ر صبح روز سه‌شنبه ۲۷/۳/۵۹ ساعت ۸ در محل کار —
 خانه برای رسیدن به خواسته‌های خود بترج زرا اعلام بحصن
 به مدت ۴۸ ساعت نمودند:

عده‌ای از کارگران شرکت فلور — امعبار ۱۳۵۹/۴/۲

حقیقت

**ارگان اتحادیه
 کمونیستهای ایران
 را بخوانید و پخش کنید**

— در تمام حقوقی های پرداخت شده از دست و پرداخت
 — حل مسالمت‌آمیز و مسکلات این کارخانه بولند،
 — تامین بودجه مواد اولیه از طرف حکومت

کا رگران متحده همه چیز

دسریج مادر سواحل دریای حریره عسبای میسول اسیب .
جسپا ومیها سیهای سرومندا سهان هنوز برپا ومیلیونها
سومان سروسا سیزدربا بکها نامین داده شده است وما هم
حسان به مکر آنیم که چکوه سگم خود وزن وبچه های خود را سیسر
کسیم . کراسی فیمتها کمر ما کا رگران را خورد کرده ولیکن
اکرا راین معنوران که خود عا مل گرانیند بپرسید میگویند
که بالا رسس مزدکا رگران باعث گرانی اجناس شده است .
رهی بیسرمی . آنها میگویند که این چند رغازی که بما میدهند
نیمسها را چهار برابر بروینچ برابر بالا برده است ولی ما که
خود میبیسیم چه کسان روز بروز کلفت ترمیشوند .

علت همها بین بدبختیها این است که عده ای سرمایهدار
وابسه وغیرا بسته ساهام برپا لیسیم ثمره کا روزحمت ما را بسه
حیب میزند ونا زمانیکه وضع به همین منوال باشد یعنی
استثما رباقی بما ندما کا رگران با فقر دست وپنجه نرم خوا
هیم کرد . تا وقتی که سرمایهداری هست ما روی خوش نخواهیم
دید وچاره نهائی ریشه کن کردن سرمایهداری است .

آنچه که ما را برآن داشت تا این نوشته را بنویسیم
کفتن این بدیهیات نبود بلکه میخواستیم توجه برادران
کا رگران را به وضع شرکت جلب کنیم ، وضعی که ما را در معرض
بیگاری جمعی یا گروهی قرار میدهد . شرکت پیما نکاری
مهندسی جنوب که قرار دادکا بل کشی ونصب تابلوهای برقی
نورددید ذوب آهن را در اورد تا قبل از انقلاب با پرداخت
حقوق ناچیز بدون حق مسکن ، بیمه درمانی ، حق ایاب و
ذهاب ، کفش ولباس کار ، حق ارتفاع ، سودویزه و ...
چنانکه حاصل کار سودهای هنگفتی برای این داشت به بیش برد

اما بعد از انقلاب ما حبان شرکت که اوضاع سیاسی رانابسا
مان دیده ومیترسیدند که کا رگران یقئه آنان را بجسینند
(وشا یدهم همچون بسیاری از سرمایهداران به مکر برداشتن
دردیها وفرار از کشور بودند) حاضر به ادا مپیمان خود نبوده
وآنرا با شرایطی که سود آنها را هم تضمین میکرد به پیما نکاران
جدید (برادران انتظار) سپردند . ایان گد خود را در
بیره گنی از کا رگران خبره ترا ز پیما نکاران اصلی می
دانستند ، بندها سبند که به خاطر وجود صفت عظیم بیگاریان بسا
پرداختن همان حدافل مرایا وباسویق های فلانی سود
دلخواه خود و پیما نکاران اصلی را حاصل مسما سود و حسان
سپرد ، ایسار ما با بدسیرا رقیل اسما رمنسیدیم و سرب
سپها هیچ مرایای جدیدی بما سعلق نکرفت بلکه حقوقها سرب
سروقت برداخت مسند . البته برای اس معنوران هسح
میمنسب که ما مثلا دوما دوسم همس حقوق نا حیررا هسچ
نکرسیم آنچه برای آنها مهم است اسبست که خود ومهندسان
سرماد حقوقیهای سزار دوا رده هرا سومان در سانب کسند .

یعنی ما کا رگران هر ما هبا یدبیش از شصت یا هفتاد هسزار
تومان حقوق به کسان یدهیم که هیچ نقسی در کارندارند و
این نازه بدون در نظر گرفتن سودهای کلانی است که پیما ن
کاران جدید و اصلی (یعنی کسان ید بیسترا چهره منحوس
سان راحتی یکبار هم ندیده ایم) متفقا" بالا میکشند . جالب
اینکه بعضی مواقع پیما نکاران سومی هم پیدا میشوند و
آنها هم سهم خود را از زحمت ما میبرند . وای بر ما کا رگران که
چقدر سرخرو مفتخور داریم !! واما مدتی است که درجه سودبری
آنها بخاطر اختلالات در کار تهیدیده کاهش میشود (وشا یدهم
پیما ن های سودآورتری زیر سردارند ومیخواهند خود را بسه
این بیها نه از شراین کا رخلای کنند) از این رودر فکر آن
هستند که یا عده ای از ما را اخراج کرده و کار همه را از کرده
بقیه بکشند تا سود لازم تا مین شود ویا کلا" این پیما ن را رها
کنند که در هر دو صورت ما کا رگران ضرر خواهیم دید . ما (گروهی
از کا رگران شرکت) فکر میکنیم قبل از آنکه آنها به اهداف
پلید خود برسند و بر نا آگاهی ما زهر خند بزنند باید یکبار و
قطعا نه جلوی مفتخوریها را گرفته و کا ر شرکت را خود بدست
گیریم . بر ما کا رگران روشن است که نورد هنوز حدود یکسال
یا بیشتر کار دارد و ما با نظارت ذوب آهن قادر به انجام کار
هستیم پس دیگر چه احتیاجی به پیما نکاران اصلی وفرعی و
فرعی تر ، این مفتخوران رنگارنگ داریم ؟ ما متحدا بسه
وسيله انتخاب یک شورای حداقل پنج نفره از کسان ید که واقعا
طرفدار کا رگرند و سازشکار نیستند باید در پی تحقق این خوا
سته برآئیم . از همین الان روشن است که با روشن شدن این طرح
ما با صف پیما نکاران وعمالشان در شرکت روبرو خواهیم شد
که با دسته های گوناگون سعی در منصرف کردن ما خواهند
کرد . تهیدید با اخراج یا بحث در این خصوص که گویا بهتر است
کا ررا به همین شیوه کنونی ادا مدهیم (یعنی با جهای
سنگین بپردازیم) از شیوه های اصلی مقابله آنها با ما سب .
آگاه باشیم ، تزلزل به خود راه ندهیم . رمز پیروزی ما در
وحدت ما است ، بدون اتحاد حتی قدمی هم نمیتوانیم برداریم .
با شدتا با اتحاد دو یکدلی بیروز شویم و در ب کا رگران مسحد
را همچون سنگ به سر سرمایهداران بگویم .

بدا مید مرفعیب

گروهی از کا رگران سرگت مهندسی جنوب ۱۳۵۹/۳/۱۷

خواسته های برحق کا رگران پی یو

با وجودیکه ارور و سبل ، اعلام نحص و حواسده های
کا رگران کارخانه پی یوکسا" به ادا سوب بطور سوب داده
نده بودا ما بیبانه " بذا سس محور نا سوبی " ارسحر آن خود
داری کردند . (نحص ا مرور حها رسنه ادا مدها ردد)

ما صص حما سب کا مل خودا ر حواسدها ونحص سرحص
کا رگران پی یوا رگله مردم ما ررکسلان ور حمکسان وسرود
های مسرفی واسفلائی مسحوا هم ما ما مکاناب کا رگران
محص را ناری رساند

دست مقامات مذکا رگران سوبه سرنسند کا رگران

محص پی سوبکسا

مرک سراسر اسسم آ سربکا رفا مین سوبه کس

داهلی اس

ارباوه‌ها بی که مطب -
را ده در مورد آ را دی جا -
سوسا ن آمریکا بی به
حربکار "پاری ماچ"
میگوید ، اسادرصا
اصفای معا و ورار ب

نطب زاده معا مله میکنند

بفیه ا رصحه آخر

حاسوس های آمریکا بی سا
امریا لیسیم آمریکا بی معا مله
سسه اسب حتی رمان آ را دی
جا سوسا ن رابین چهار با سبج
هفده سس سبی میماید .
سدس برنیب در سراطی
کدبا بدطی سار سگار و سده
اسفلاسی محافل حاکم هرور به
خاندنه آریبی جدیدی دست
میزسد و مردم را ارمبار رهه ضد
امریا لیسینی به کال های
اسفرا سی میکشا نند و ریرا مور
خارجه " دولت جمهوری اسلامی"
آرام و بدون هیچ سروصدا بی در
تدارک آزاد کردن جا سوسا ن
آمریکا بی است . اما صادق
نطب زاده با وجودا اینکه تا کنون
چندبا رتلاشها بیس در زمینه
آزادسا ختن جا سوسا ن
آمریکا بی با شکست مواجه شده
است کویا هنوز نغمه بیده که
آزادی جا سوسا ن آمریکا بی به
این سادگی ها هم نیست که
ایشان حتی تاریخ آنرا برای
خبرنکار روزنامه "پاری ماچ"
تعیین مینماید ، وزیرا مور
خارجه کویا هنوز ایمن را
بفهمیده اسب که دارودسته های
سازسکار برای آزاد کسردن
حاسوسا ن آمریکا بی اولاسا
بوده های مردم ایران رو بسرو
هسند و مردم نمیگذارند که به
همین سادگی یا بدسار سکار بر
سرجا سوسا ن با آمریکا معا مله
کند ، با ساسا بسا ده های درون
حوسس بر سرجکوسکی "حل مساله
کروکا بیا " مواحه هسند و
حنا حیا بی ا را بی حکومت بر
سرا حسی سلیم با بدسار سکار
سی مدرسوا هسد ، در سس

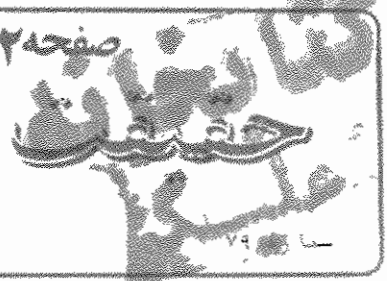
نیرنگ مسکو

سفه ا رصحه آخر

مسکوا میدوا راسب که تبلیغ
مدسوروی در منطقه و تهیج
مردم علیه خطرا مپریا لیسیم
نوخاسته ، روس کاهش بییدا
کند . ثانیا " منظور از آن ادا
واطورا های سازسکارانه در
برابر غرب فهماندن این
مطلب به دولت های امپریا -
لیستی غرب از جمله آمریکا -
ست که برای مذاکره و معا مله
برسرافغانستان آمادگی
داشته و با مصلاح نگرانی های
غرب را راجع به اوضاع منطقه
و افغانستان " درک میکند ."
این ادا و اطوار تبانی جو -
یا نهه شوروی که بلافا صله بر -
خی ابرازا میدوا ریهارا از
شوی مقامات دولت آمریکا
و متحدینش به سراه آورد ،
خطر کنرا آ مدن ا بر قدرتها
را بر سمسائل منطقه ، که
مسئله افغانستان جزئی
از آنها را تشکیل میدهد ، به
مردم کشور های منطقه گوشزد
میکند . طبعاً " امپریا لیسیم
آمریکا که خود را نیز در وضع
بحرانی و خیمی در کشور ما
می ببیدنسب به این گرایس

نستهدا بد موفقا به بد بس برسد
در دست کیرسد و چهره سارس -
کاران و ماسا سب جوانان با
آمریکارا در میان مردم ما
رسوا سارید . خواست مرحلده ای
و مسحق محاکمه و مجازا بجا -
سوسا ن آمریکا بی البسدار
خواسته های مهم ما رده ماسب
ولیک بیسج وجد بآن محدود
نممود . ما رده ماسب
لیسی با سسای خود را از
اس خواست سراسر گذارده در
جنب ردن با سدهای امرا -
لیسم در اسما دوسط ماسی و
احسای بی و بسورده بود آن در
ارس حیسوی اسلی سا
رما سدها ن - در -
برک س س س س س

کمک های مالی خود را بهر طریق ممکن ارسال نمائید



قطب زاده بر سر جاسوسان آمریکائی معامله میکند

احضاراً مادی مطبوعه

ورسرا مورخا رخد دولست
"جمهوری اسلامی درصا -
خدای نارورما هه فراسوی
ناری ماچ " سرباط آزادی
جاسوسان آمریکائی را اعلام
کرده است . قطب زاده مطبوعه
خدای با حریکافرانسوی
رما " اعلام میدارد که آزادی
کروکاتینها دوشروط دارد . یکی
شروط " سیاسی " و دیگری
شروط " اقتصادی " .

شروط اقتصادی که مرد
شماره یک سیاست خارجی
دولت " جمهوری اسلامی "
سرای آزادی جاسوسان آمر -
یکائی تعیین کرده است
" لغو محدودیت های اقتصادی
آمریکا و دوستاش و نیز آزاد
ساختن دارا شیپسای ۱۲
میلیارد دلاری ایران مینا -
ند " و شروط سیاسی آقای وزیر

انجا دکرند و در طی چند ماه
گذشته تمامی سنی شان این
بوده است که اولاً آرا و جگیری
مبازرات خدا میریالیستی
مردم ایران جلوگیری بعمل
آورند و ثانیاً راه را برای
ورود امیرالیستیهای آمر -
یکائی به صحنه سیاسی و
اقتصادی ایران هموار سازند
منتهی با شروطنی که در روسته
های سازشکار حاکم . برای
امیرالیسم آمریکا تعیین
میکنند . همچنین مادی قطب
زاده میگوید که : " آمریکا -
شهادت در دوماه گذشته کار غیر
عاقبتی ای انجام داده اند
و این یک موفقیت برای سیاست
آمریکا است . " یعنی
آقای رمزی کلارک پس از
مسا فرنت به ایران مقبول و
قرارهایی که با مقامات

سار بهای آمریکا در سالهای
اول اشغال و سام است .
هفته سه هفته سر بعد از
اشغالگر خود در امانت
مسافران و در سر از هر روح
واحدهای نظامی فرود شده
خود هر بار تا حدی سر و احد
های نار و نفس به خاک افغان
سنان کبیل میدارد .
اما اس سرک کف
امریالیسی به دو منظور
صورت میگردد . اولاً منظور
از آن فریب افکار عمومی
جهان و اتحادیک نوع است
واری گاند است مبنی بر
استکه گونا اشغالگران شوروی
سزودی از خاک افغان
خارج مدوا و وضع حال عادی
سار خواهد کرد .

نیرنگ مسکو

و همجنس در رور اول سر -
گراری کنفرانس به حدیسه
راجع به افغانستان در زنیو ،
اعلام کردید . در همان زمان
برونف سفاک اعلام کرد که از
قرار معلوم شکست های فاحشی
به حشش مسلحانه مردم
افغانستان وارد شده و بتدریج
ضرورت حضور نظامی شوروی در
افغانستان کا هش پیدا میکند .
طفا " تمام این ادعا ها و
ادا و اطوار های سیاسی
دولت روس دروغ و فریبکاری
سیاسی کتبیسی مبنی بر
به حشش مسلحانه مردم

دولت شوروی در اس
او اخرتظا هر بدان میکنند که
در مردم بیرون کشیدن بتدریج
شورای اشغالگر خود را اشغال
نستان است . در همین
ارتباط دولت شوروی طی
نامه های به ژنرال روس
رئیس جمهور فرانسه و سینی
در تبلیغات رسمی خود اعلام
کرده که بخشی ارتقوای اشغال
گر خود را در افغانستان به
خاک شوروی با رگرا نه شده
است . نکته قابل توجه این
که این اقدام ادعا شسی
شوروی درست در زمان سر -
گزار کنفرانس اقتصادی
کشورهای امیرالیستی
غرب دوسیز ، که از جمله
مسئله اشغال سنان را نیز در
دستور کار خود قرار داده بود ،